



هفتاد و نهم

رهائی

سال اول شماره ۱۳
به شنبه ۶ آذرماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

تحریریم رفرا ندوم

یک سند بیانگر

سخنی با مجاهدین خلق

مداخله نظامی آمریکا

در حاشیه رویدادها

امام جمعه و امام امت

و

تحریم فرماندوم

تنها مجلس بوسمان مستقیم مردم میتواند قوانینی مردمی ارائه دهد

و ترا اندریم برای اظهار نظر در مورد تحریم مجلس شورای بزرگان در تصرف اعیان است. همیشه ما زینها و ما سوره های سیاسی برای شایع و فریب مردم بدو خود رسیده است. رژیم مگوش که ما یک شکر در این سخن و زهر آسین را بجای میوشد. دارو و خورد مردم دهد. و در آن سوره های حقوقی جا میماند که سوختی خود را بر ما فرو آید پس مورد سمان را رسد و ما خواهی در آنجا مگر امی سیاسی از مردم شرکت نکنند.

ما در مورد مجلس خبرگان - مطابق مقصدی در مشوره رها کرد در اعلامیه های خود و منتظر بوده ایم. قبل از انتخابات این مجلس به ما شما حد از ما هیئت دولت و عمل کرد آن را با شما حد از ما هیئت " رهبری " و فرانسهای آن بود در دست در زمانه. بخشی از جهت دولت و شما نسبت ما در وقتها و فرصت طلسمیها از مردم مکتبی در هیچ طره بر صفت، و با نسی بد را را نسی، نخست است بهانه های خود در بیان در مرحله ساری رژیم مردم شرکت میگرد. شرکت در انتخابات را تحریم کرده و روشن کنیم:

" رژیم به تقلب مجلس خبرگان را بجای مجلس مؤسسان و شما رسد داده است. منطقی ترین و درست ترین کار این است که جشن سازی رها کارهای تحریم شود و اجرای آنها را مختلف این بنا ریبود و شما مقرر و با تعیین آنرا که در شود. بدین صورت اما ما این مسئله مطرح نیست که اساسا نحوه انتخابات مجلس خبرگان امکرا تیک خواهد بود و ما نه که مسلما نخواهد بود. مسئله این است که مجلس خبرگان زور چنان کردن به مردم و جان زدن چسبزی بجای چیز دیگری است. نفس "مجلس خبرگان" بحکمیت است و فریبکاری است و نه صرفا نحوه انجام این تمهیل.

واقعیات هم صحت نظر ما را نشان داده و هم رگه های لیبرالیستی ما را نشان داده است. شما به ما مطلق " انکارگری " در انتخابات شرکت کرده بودند، اما مردم طبعی و مستقیم تمایلات رژیم، علیرغم شما های و سوران و مراجع تشدید، و علیرغم بدآموزیهای این سازمانها، انتخابات را بدین صورتی تحریم

کردند. سندی که خود رژیم اعلان کرده که شما حدود ۱۷ از کسان در فرماندوم رای دادند در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کردند. بدین طریق بوده مردم سازمانهایی که انتخابات را تحریم کرده بودند اولین کام را در ایران کردن بهانه های تهادی که میگویند مطابق کاستی و در رقابتی خود را بر آنها تحمیل کنند بر داشتند.

ما آنچه تحریم اکثریت موسمی مردم در انتخابات، این مجلس را از غیر قانونیست می انداخته معذرت در این انحصار و گرو را می بجز تشکیل مجلس نبود. در این زمان ما شعار ایطالی انتخابات را مطرح کرده و اعلام نمودیم که:

" شعار ایطالی انتخابات باید بصورت شعار مرحله ای از جانب همه نیروهای مترقی - چه آنها که انتخابات را تحریم کردند و چه آنها که در آن شرکت کردند در آمد. در این زمان، سعی مدتی پس از سرگزاری انتخابات و اعلام نتایج آن، عده بیشتری سخنرانی بی به واقفیت کردند اما هنوز پاره ای از سازمانها - مشغول فرو موزلزل تر آن بودند که به کارزار ایطالی انتخابات میبوندند. این بار نیز بخشی از جنبه در پیشاپیش حرکت سبک ما و راه آن لنگان لنگان و خیزان کام بر میداشت و ما نیز بر اینکه بی شما خنسی و دنیا له روی خود را " هنگامی با خلق " و باسد اتفاق کنیم که با عقب رانده ترس به شما خلی خلق انجام مینهاد. اما مجلس شرکان بصورت افتخار خیزش در آمد و در حقیقت اولین کام مؤثر از جانب خود مجلس برداشته است. نمازش ترا و یکو کمنگ و رسوائی که کودکان را سخنده و امیداشت و با لیبین راه اندود و دلالت دچا و میگرد، ماهیت " خبرگان سلاخی " را در معرض دید میبوشها مردم قرار داد.

بیران فرود و " جوانان " متحرکی که مدای ظلمانی اعیان قرون را از خنجره های رنگ زد خود بیرون میدادند بصورت باز یگان این نما بیضا مه در آمده. ربا کاری، توطئه سسه، حماقت و کوشه بیستی محبوسهای تکرار شونده " شوخبرگان بود. گویا ما بعد در سفاقت بود گویا دست گیری آرما و راه های آخوندی در پس پرده بودند ما هیئت " خبرگان اسلامی "

را بهمه شما ساند و توهمی برای کسی نمانی نگذارد. در این مجمع فضا، حتی اسارت " نظام توحیدی " هراس بود. در این مجمع افرادی گردانندگی میکردند که حدی و حصری را بر ما لکتب مجاز نمی شمردند (جای آقای قمی و " مالکتب شما محدود حضرت محمدا قر علیسه - السلام " حالی). در این مجمع، ولایت فقیه سادیکمانوری خلیفه و امام سزده هم نصیب میشد و معذرت استدلال مشدکه انجام دکتا تیز به ولایت فقیه کار اجانب است (ا چون " فقیه کاری نمیکنند جز کنترل توای سه کانه " (هدسی!) و از امام امت " نائیده گرفته مشدکه " ولایت فقیه و لا است بر ما راست که نگذار داین امور را مجاری خودی بیرون برود. نظارت میکند بر رئیس جمهوری که مبادایا و خطائی بر دارد. نظارت کند بر نخست وزیر که مبادایک کار خطائی کند. نظارت کند بر همه دستگا همسا "

و با این همه، همین امام امت تکلیف هر کس نکوید دکتا نوری است عامل اجانب است چون " طوید دکتا نوری را ما میخواهم بگیریم شد. خواهیم دکتا نوری باشد میخواهم ضد دکتا نوری [توجه شود که امام از اوزه دو کتر]

دلخونی ندارد] باشد. ولایت فقیه ضد دکتا نوری است نه دکتا نوری. و با لایحه در این مجمع و نه شما در برابر ما آن - ناراضان، و خرنکاران روز ما مه ها کتک میخورند. بهر حال هر چه اصرارها بیشتر، و ما شما مدرسو تر میشد، گروه گروه از مردم به این نتیجه رسیدند که معجزه ای از این ما مزاده بظهور نخواهد رسید تا بدانجا که حتی ۱۷ وزیر از ۲۲ وزیر " کاسینه فقیه " هم بزنا مه ای را امضا کردند که در آن رسوخیر خواهی از امام درخواست شده بود که ولایت فقیه را از مصوبه ها بردارد. که این البته عکس العمل فاطمانه (ویسار فاطمانه!) امام امت را در برداشت.

بهر حال این مشدکه نتایج کار خود را برای تصویب در اختیار " توده مستضعف " میگذارد و از امام امت فرمان میدهد که " فانسون اساسی صحیحی است! " توده تهییج شده شما شما های خدا میریالیستی نیز بنظر حضرات " کله های گوسفندی " هستند که باید بدستمال

شبان خود را این بازی شرکت کنند و البته نام هم اجازه داده اند که اگر انسان خواست رأی مقرر بدهد ...

اینجا است که با دیده صراحت و صریح تصمیم گیری کرده ایم نظر نمودن را بین امری خصوصی از جانب نیروها نمی باید مورد توضیح قرار گیرند که در گذشته به خاطر فقدان بینش سیاسی و سیاست امپریالیسم فرقه گر افروخته نام روزیم اقتضای و در انتخابیات شرکت کرده بودیم. این نیروها و طبقه دارند که هم اظهار نظر نمودن هم موافق گذشته خود را مورد بیرونی قرار دهند. این نیروها با بستن پرده‌ها مت سیاسی را داشته باشند که سبب اعلام کنند که اشتباه کرده اند و بیرون رفته‌های پیشین را اشتباه خود را مورد بیرونی قرار دهند. امروز نیروی رزوا شدیم. باید از طرفی به وجهی بهترین شکل ممکن مطرح شود. تعریف برون محسوسند" یا ریه‌های عواطف ریه‌های ما باشد" شرکت کردن در رأی منفی دادن". هرگز در شرکت در رأی گیری، حداقل نشانه‌ها از نظر ری و صدا کفر، عیب سیاسی تشکری است. باید در فراموشی، تعریف شود. شرکت در رأی و لوی بهیانه‌های دروغین" افشاگری" و "در جزا خلق بودن" و نظایران را اینستار کسی نخواهد شد. بگذار بخشی از دوره‌های

شبهیج و تحسین شده در پشت سر ما م امت سبب بردگی خود را تا آنگاه مانده امضاء کنند آن توده بنا آگاه، در آینده آگاه خواهد شد. ولسی آن کما شیکه امروز آگاه هند و در انتخابیات شرکت میکنند کما نمی هستند که در امت بر آنها حساسان نخواهد بود.

با تمام قوا در تحریم نمایش رژیم بگوئیم و اجازه ندهیم به رژیم از جوفدا امپریالیستی موجود برای رسیدن به مطامع سلطه گرایانه نسبی و انحصاری و لایحه، و از این گویا به خود سوء استفاده کنند.

ما در میان اینکه از وجود آمدن جو فسیلند امپریالیستی موجود است قبال میکنیم. اعتقاد داریم مبارزه غذا امپریالیستی در بر زمین - شرفتن شاه مخلوع خلاصه نمیشود و باید با فشار آوردن به قدرت حاکم برای افشاء و قطع کلیه روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی سیاسی امپریالیسم امپریالیسم امپریالیسم را تضعیف کنیم. بنفیده ما قطع کامل نمیشود امپریالیسم بدون تحقق خواسته‌های دگرگانی و زحمتکشان و نابودی ارتجاع داخلی ممکن نیست. بنا بر این وظیفه همه نیروهای واقعا فسیلند امپریالیست است که قاطعانه علیه رفتار اندوم

برای مصوبات شان تقاضای مجلس خبرگان وقتا نوتی شدن تسلط ارتجاع مضع گیرند.

مرد شریفین نوع "گفتن به تنها بسند مصوبات مجلس، بلکه به کل رژیم، تحریم شرکت در ما نور، رسمی ندا نشستن و رسمیت ندادن به نوظنه‌های آن است.

مجلس خبرگان و مصوبات ارتجاع عیش به ریاله دان خواهد افتاد. اینها پایه عقیده‌های رنگ زده قرون جاهلیت اند که بمرت نا هتسار رود. تاریخ بیان قارچ بی‌ریشه در تاریخکی روئیده اند و با درخشش نور آفتاب منهدم خواهد شد در خبرگان در کنار زحمتکشان سلفشان مدفون خواهند گردید.

برای برقراری مجلس مؤسسان نماینده واقعی زحمتکشان بنویسیم.

بر با کوشش در راه تحقق خواسته‌های دگرگانی زحمتکشان مبارزه غذا امپریالیستی را تا ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم تمامین بنویسیم.

سازمان وحدت کمونیستی

58/9/1

سخنی با مجاهدین خلق

دید طبقاتی نه در اقرار بوجود طبقات، بلکه در دخالت آن در تحلیل‌ها و عملکردها مشخص میشود

در شماره گذشته مطالبی پیرامون متدی برخورد سازمان مجاهدین خلق در رابطه مقالات " هشدار پیرامون چسب روی و بی‌تسامنی - پیام به مارکسیست‌ها" اصولی " نگاشتم و تذکر دادیم که به نحوه برخورد رفتار شایسته سوابق مبارزاتی آنان نیست و نه تنها اینهاست بسیاری ایجاد میکند، بلکه ایستادگی متعدد نیز دارد. در این مقاله سعی همچنین با آورنده بودیم که با آنکه ما تنها سازمانی بودیم که بطور مفعلی و مشروع اعمال عدای مارکسیست‌ها را علیه سازمان مجاهدین خلق محکوم کرده از این نظر گامی در راه تشکیل شیوه کار دمکراتیک مارکسیست‌ها و شیوه تروریستی مارکسیست‌ها برداشتمیم. مع هذا اکنون مسلما " نه بهتساران دفاع از سازمان پیگار - که نظر خود را در مورد آن مشروحا" خواهیم داشت

بلکه بعنوان انتقاد به هر نوع برخورد غیر اصولی به عدم صراحتها و اختلاط مباحث و در هم کردن کل و جزء به نحوه برخورد مجاهدین امپریالیست‌ها را داریم. در مقاله حاضر پاره‌ای از ایرادات و انتقادات ما به مضامین مطرح در سلسله مقالات فوق ذکر میشود با آنکه ظاهرا " سلسله مقالات مجاهدین پایان یافته است مع هذا شاید این تذکرات در نوشته‌های آینده این سازمان بی تاثیر نباشد.

درک غیر طبقاتی

مجاهدین چنین می‌انگارند که هر کس از مبارزه طبقاتی درکی جز انسان داشت به " ارزیابی دراز مدت قضایا" دچار اشتباه میشود و لاجرم کارشایین خواهد بود که " امپریالیست‌ها را سی"

شوند. این نوع برخورد که خود حاکی از فقدان یا ضعف دید طبقاتی - علم فرم تعریح وجود طبقات - است در جنبش مبحث مطرحه بروشنی دیده میشود که عمده‌ترین آنها را برخورد آنان به مسئله امپریالیسم، ارتجاع داخلی و مسئله ملیتها میتوان دید. در این زمینه‌ها ایراد توضیحاتی ضروری است.

در بسیاری از جنبشهای ملی، ضد امپریالیستی و آزادیبخش این مسئله از جانب نیروهای "تمام خلقی"، "جبهه‌ای"، "ملی" و نظایر آن مطرح شده و میشود که چون تضاد با امپریالیسم یا استعمار عمدگی پیدا کرده است، باید از سر خورد به سایر مسائل و تضادها خودداری کرد مبادا تضاد با امپریالیسم تحت الشاع آنها قرار گیرد و " امپریالیست‌ها را سی شوند". این نوع برخورد که حداکثر حاکی از داشتن یک حسن نیت

ساده انگارانه است اساساً " فراموش می‌کنند که برای چه باید با امپریالیسم لیسم جنگید. آیا مسئله مبارزه با سیستم خاصی از مناسبات مطرح است و یا مسئله مبارزه با یک نیروی خارجی در جنگهای عهد عتیق و بعد از آن، روی استعمارگرانی یا بهتر بگوییم مهاجمان و نیز نیروی دوزخ آنها جسم در شرایطی بسر میبرند که مناسباتی بسا یکدیگر نشانند. آنها جوامع برده داری، نظام آسیایی و شورایی بودند که تولیدشان " ملی" بود و نه جهانی. مناسبات این جوامع حداکثر بصورت بیابانه و تجارت چند قلم کالا بود.

طبقات در سطح جهانیسی انکشاف نیافته و روابط گسترده و پیچیده آن محسوس جوامع را بصورت یک واحد تولید جهانی در نیارده بود. جامعه "الفا" بسا جامعه "ب" بعامل مختلف وارد جنگ میشد و هر کدام غالب میشد کل جامعه مغلوب را تحت سلطه خود در می آورد.

جنگهای ایران و یونان از کهن ترین آنها و جنگهای ایران و عثمانی از اخیرترین آنهاست. در بسیاری موارد و بخصوص در مورد جوامع کوچکتر و مغلوب شدن بمعنای برده شدن بود.

حکام نفوس یک جامعه بصورت برده در می آمدند و خرید و فروش میشدند. در چنین شرایطی طبیعی بود که هنگام حمله از یک جانب، همه نفوس جامعه دیتسور، در نظر از وابستگی های طبقاتی، بسیج میشدند. غیرممکن بود بخشی از ایرا زبان را در محبت ارتش یونان دید و بر عکس. در آن ازمنه ژنرال تیموس و ارتش چندده هزار نفری آنها در کنار امپریالیستها با مردم خود نمیجنگیدند و "حرکی" های الجزایری، ایضا در شمار چندده هزار نفری، بخدمت ارتش فرانسه در نمی آمدند.

اما قرن حاضر، قرن امپریالیسم، قرن سرمایه داری و پایان دوران استعماری (بمعنای کلاسیک) است. در این قرن تولید جهانی است. در این قسرون وحدت بین بورژوازی جوامع مختلف بسا فراسوی "علاق" ملی می رود. در این قرن ایضا - و مهتر از آن - طبقه کارگر بمشابه یک طبقه در سطح جهانی

شناخته شده است. در این قرن ارتش طاقتیان صرفاً ابزار چهارپا و سرکوب نیستند. عامل بیگانه و نیروی مزدور آن است.

قرن، قرن تکامل نهائی طبقات است و هدفندیها بر مبنای آن انجام میگردد. در چنین صورتی، که ظاهراً رفقای مجاهد نیز با آن مخالفتی ندارند، باید این شناخت را در تطبیله و ارائه سیاست نیز زیاده کرد. بعبارت دیگر به مسئله امپریالیسم نه بصورت یسک نیروی خارجی و شیطانی بلکه بعنوان تیئوری از شیطان سرمایه داری نگریست که جهان را در بر گرفته است. در اینجا مرحوم جهنم مکان القانیسان و جنابحی و حاضر ابروانی و نیز همه کسانی که آرزوی صعود بدایره آسان - بورژوازی بزرگ - را دارند هیچ تفاوتی با مستر راکفلر و مسیور... ندارند. در اینجا، در این قرن، شاهان نه در ارتش با نیروی بیگانه میجنگند، که فراری به دامان مادر و حامی جنبی میشوند. وحدت طبقات ارتجاعی داخلی و جهانی وحدتی فراگیر تر از تعصبات ملی آنهاست. ولذا مبارزه بسا ارتجاع جهانی - امپریالیسم - از خانه شروع میشود و بخانه باز میگردد.

جدا کردن مبارزه با ارتجاع داخلی از مبارزه با امپریالیسم، یا اولویت دادن به یکی حاکی از عدم توجه بسه وحدت آنهاست و منجر به ابرازاتسی میشود از این دست:

" در دوران گذشته، شاه به خاطر نقش خودش مورد نظر ما نبود، بلکه شاه برای ما فقط بعنوان کارگزار و سرپوش سلطه امپریالیسم مطرح بود. لذا در حال حاضر نیز موضعگیریهای ما علیه تمامیت ارتجاعی رایج در سطح سیاسی و اجتماعی تا آنجا اصیل است که در قلب خود، مستقیماً امپریالیسم را هدف قرار دهیم (تاکید از ماست) بعبارت دیگر اگر دیوانه ای مثل ژنرال تروخیلوی جمهوری دومینک بخاطر تمامیات فاشیستی خود مقابل یانکی ها ایستاد، خلق دومینک باید " تضاد

عمده (امپریالیسم یانکی) و تضاد فرعی (ارتجاع داخلی) را تشخیص میداد و پشت سر تروخیلوی خونخوار بحرکت در می آمد. ممکن است مجاهدین این ایرا را غیر متصفانه بخوانند. در این صورت این خود آنها هستند که باید جوابگوی تز خود باشند. هنگامیکه آنها ابزار میدارند، " شاه برای ما فقط بعنوان کارگزار و سرپوش سلطه امپریالیسم مطرح بود" و چنان تضاد با امپریالیسم را عمده میدانند که توجه به سایر تضادها را " فرعی" قلمسداد میکنند. مسئولیت استنتاجات از این تز را باید بپذیرند.

بهر حال این تز که سابقه تاریخی دارد به برکت " اندیشه های ماژوتسه دون" در جنبش کمونیستی نیز رخنه کرده است و عوارض آنرا نه تنها در سازمان مجاهدین غیر کمونیست بلکه در بسیاری از سازمانهای کمونیستی هم مشاهده میکنیم. مادر گذشته در رهائی تیئوریک شماره ۲ به این دید در برداشتهای رفیق جزنی اشاره کرده ایم و در آینده بطور مبسوط تر هسنگام تحلیل نظرات سازمانها به آن خواهیم پرداخت. اینها همه حاکی از عدم تشخیص این واقعیت است که تضاد اساسی و محوری در عصر کنونی تضاد کار و سرمایه است. تضاد کشورهای تحت سلطه بسا امپریالیسم صرفاً جلوه و نمودی از این تضاد است. غیرممکن است بتوان با امپریالیسم (و نه خارجینا) مبارزه کرد، بدون اینکه ضد سرمایه و عمیقاً ضد سرمایه - و هرنوعش، " مشر وع" و " غیر مشروعش" - بود. بجز این چاره ای نیست که نه تنها تروخیلوی را ضد امپریالیست ببینیم بلکه مبارزات " ضد امپریالیستی" تروخیلوی های وطنی را نیز تقدیس کنیم. کاری نداشته باشیم که یک نیروی فاشیستی خود را تشبیت میکند یا یک نیروی دمکرات. کاری نداشته باشیم که مبارزه ضد خارجی میشود یا ضد امپریالیستی. و باز ممکن است رفقا بگویند که مگر ما از مبارزات دمکراتیک حمایت نکرده ایم؟ و جواب ما اینست که اولاً بسیار کم کرده اید، ثانیاً

بروز خواهد بود، بدلیل این اسرارادات
 دیگری که دارید - منجمله کیش شخصیت -
 غیر مستقیم به آن لطمه زده‌اید، ثالثاً
 آنجا که می‌باید و حتماً "باید می‌کردید"
 در مثل مسئله ملیت‌ها - کاری نگورده‌اید
 و اکنون نیز توجیه‌گری می‌کنید (و به
 آن نیز خواهیم پرداخت) ... و بسا
 اینهمه این شما هستی، که باید تضاد
 بین اجزاء تره‌ایتان - التقاط - و نیز
 بین پاره‌ای از تره‌ها و اممال‌تشان را
 شرح دهید، و همان‌طور که گفتیم این
 تنها شما دوستان نیستید که گرفتار
 چنین تناقضاتی هستید، "باشرفیستها"
 "سازم خلقی‌ها"، "ملی‌ها" و نظائر هم
 نیز در وضع بهتری نیستند و تا زمانی
 که تشکیلی ندهند "شاه فقهی بعنفسوان
 کارگزار و سرپوش سلطه امپریالیسم"
 بطرح نیست بلکه بالکل شاه بعنفسوان
 کارگزار سرمایه و امپریالیسم بعنوان
 تجسم سلطه سرمایه مالی مطرح است
 سواره هم شما و هم آنها در دام این
 تناقضات خواهید بود در جستجوی تضاد
 مده و فرعی بگریز دیکتاتوری شاه را
 با دیکتاتوری دیگری جایجا خواهید
 دید و روز دیگر یک امپریالیسم را با
 امپریالیسم دیگر، و سمها هنوز کما
 اینکه شرایط را لمس نکرده‌اید می‌نویسید:
 "آنگاه دستاوردهای بسیار
 گرانقدری را هم که طی سرحله
 مبارزه ضد دیکتاتوری تحسنت
 رهبری قاطع حضرت آیت‌الله
 خمینی حاصل کرده‌ایم، (استعمار
 کران) تدریجاً از ما بساز
 خواهند ستاند!"
 معلوم میشود که "استعمارگران"
 ولایت فقیه را تصویب کرده‌اند و "رهبر"
 را در قانون اساسی کنترل کننده‌قوای
 سه گانه" معرفی نموده‌اند! آیت‌الله
 خمینی دمکرات است، حتی خود ایشان هم از
 انتساب چنین مفهومی بخود اکراه دارند!
 زنان ایران، خلقهای کرد و ترک و عرب و
 توکم، دهقانان و روشنفکران ... و
 مویزه کارگران داستانهای شکست
 انگیزی از اعمال دمکراسی توسط خشم و
 غضب و جهاد و فرمان و بالاخره گلوله
 و توپ دارند. خیر رفقا میببازرد
 آقای خمینی ضد شاه بود و نه ضد

دیکتاتوری، مبارزه کنونی ایشان
 هم ضد بعضی خارجی‌هاست و نه ضد امپیر
 یالیسم. شاه هم فقط کارگزار امپیر
 یالیسم نیست، پیش از آن و پیش از
 آن کارگزار سرمایه است. مبارزه
 علیه ارتجاع داخلی هم همواره تابعی
 و بن و تا نهایت مطرح است و نه بر
 خلاف گفته شما:
 "لذا در حال حاضر نیز موضعگیر
 یهای ما علیه تمایلات ارتجاعی
 در سطح سیاسی و اجتماعی تا آنجا
 اصیل است که در قلب خود،
 مستقیماً امپریالیسم را هدف
 قرار دهد" (تاکیدازماست)

و این تر به معنای آنست که اگر فی الحصل
 کارخانه‌داری مستقیماً با امپریالیسم
 لیستها مرتبط نبود نباید مبارزه را
 تا آنجا کشاند که کارگران آن کارخانه
 را وادار به مبارزه کرد، ولو اینکه
 این مبارزه بطور غیر مستقیم علیه امپیر
 یالیستها باشد، همان دید تعطیل
 مبارزه طبقاتی - علی‌رغم اصرار و تسلأ
 کید بر شناخت طبقات - همان دید موکول
 کردن مبارزه طبقاتی به بعد از مبارزه
 رزه طبقاتی به بعد از مبارزه "ضد
 امپریالیستی" (الجزایر کرده است! و
 عبدالناصر نیز) و همان دید "بزرگ
 نمبر بهار میاد" است. دهقانان!
 نکنند زمینها را بگیرند. خلق‌ها!
 با وجود اینکه "حق" دارید ولی نکنند
 مبارزه جدی کنید. کارگران! با وجود
 آنکه استعمار می‌شوید ولی ناراحت
 نباشید چون کارفرمایان "ملی" است.
 زنان! با وجود آنکه چیزی از حقوق
 انسانی برای شما باقی نگذاشته‌اند، نکنند
 آلت دست شوید و "امپریالیستهاراضی"
 شوند. زیرا اگر چنین شود همه شما
 استعمار می‌شوید. و آن کارگرو دهقان
 و اقلیت ملی و زن و ... به این رفقا
 خواهند گفت: مگر حال نمی‌شویم! مگر مرض
 داریم کشته بدیم مگر ما بخاطر این
 با امپریالیسم دشمنیم که "خارجی است
 و غیر اسلامی است. و این ما را بیسار
 گفته آقای خمینی میاندازد که در اعتر
 اض به کارگرانی که حقوق بیشتر میخوا
 ستند میگفت "مگر شما انقلاب کرده‌اید

که حقوق و مزایای بیشتر بگیری؟ شما
 بخاطر اسلام انقلاب کرده‌اید و با محرومیت
 بیشتر باید بمارید". این گفتار از
 آیت‌الله خمینی عجیب نیست. اسلام
 برای ایشان یک ایده‌آل معنوی است.
 اگر همه مردم گرسنه بخوابند و لسی
 مسلمان باشند "صحیح است" طبقه و قشر
 هم وجود خارجی ندارد. و باز بگفته
 ایشان "همه کارگردد، خدا کارگراست،
 ائمه هم کارگر است". اما شما دوستان
 می‌گوئید که بوجود طبقات مومن هستید.
 پس آیا زمان آن نیست که متوجه شوید که
 مبارزه ضد امپریالیستی فقط از کانال
 مبارزه طبقاتی اصالت دارد و نه بالعکس
 تر شما رفقا، وتر مائوئیستها و رویز
 یونیستها (و این مطلقاً "بدان معنی
 نیست که شمارا برابر نهاده‌ایم. منظور
 این تر است)، آری این تر، تر، تر، تر
 "عقل سلیم" است و نه تحلیل طبقاتی.
 همه با هم متحد می‌شویم، امپریالیسم
 را نابود می‌کنیم، بعد از آن مبارزه
 طبقاتی می‌کنیم. انشاء‌الله. و لسی
 "متاسفانه" نه تاریخ چنین نشان
 داده است، نه تجارب مبارزات خلفها
 و مارکسیسم که تکیه بر ایندو دارد،
 یک قرن و نیم است که عقل سلیم را با
 علم جایجا کرده و نشان داده است که
 تنها آن کارگری با جنگ و دندان میا
 رزه خواهد کرد که چیزی برای حفظ کمر
 دن داشته باشد و تنها آن دهقان بیل
 و کلنگش را بیاری خواهد گرفت که صا-
 حب محصول کار و با زمینش باشد.
 امپریالیسم جز بطور مشخص در زندگی
 روزمره رابطه و استثمار زحمتکشان
 معنایی ندارد. کسی در مقابل "امپیر
 یالیسم انتزاعی" پیگیرانه نخواهند
 جنگید، حتی مؤمنین به اسلام انتزاعی
 آنطور که آیت‌الله خمینی اندرز میدهد.
 انقلابی پیروز میشود که دهقانانش کام
 به کام در تصرف هر منطقه زمینهارا از
 مالکین بگیرند، انقلابی شکست نخواهد
 خورد که کارگراش با تصرف کارخانه،
 کارفرما را بیرون کنند ... بجز این
 تصور پیروزی انقلاب، تصور بیرون
 راندن امپریالیسم خواب و خیال شیرین
 است. ویتنام را بگیرند و الجزایر
 رانیز. (ادامه دارد) ●

دمکراسی جمهوری اسلامی

آقای دکتر ممکن "معاون وزارت ارشاد ملی" - گویا مواجبه های طوفانی خود با وسایل ارتباط جمعی جمهوری اسلامی در خصوص ضرورت توقیف نشریات و کوششهای شبانه روزیشان را در رابطه با "قانون مطبوعات" مجدداً شاه "فراش" کرده اند که میفرمایند:

... "ما اطمینان داریم که

... که هنوز بندهی آقای بنی صدر مسطور...
... اتفاق ما هم واقع میشود. بدین حساب
... که رهبرانشان در مبارزه ضد
... جمهوری اسلامی چنین کمالاتی و
... در حال کمالاتی که از روی آپورتیو
... در تائید ایشان در فریب خلق
... میکنند.

مردم انتخاب خود را (در برابر
تعدد نشریات) میکنند و این
نشریات پس از مدتی بعلت
نداشتن تیراژ خود بخود
تعطیل میشوند... مسأله
مخالفتی با انتشار اینها
(نشریات توقیف شده) نداریم
... ما سرسخانه یا گرفتن
وبستن نشریات مخالفیم و
وروزنامه ای که نوای مخالف
میرند هر چه بیشتر از انتشار

امام جمعه و امام امت

همانطور که پیش بینی میشد مبارزه ضد امپریالیسمی در روند خود از محدودیتهایی که سردمداران رژیم برای آن طلب میکردند فراتر رفت و موجب خرس و افروز ما شد. تشدید جویم امپریالیستی - با بیای کوتاه آمدنهای اجباری و موقتی بخش ها تراز هیئت ها که در مورد کوردستان، موجب شد که جناحی که منافع مستقیم خود را در افشای روزی و نفاق افکنی میدید به تازگی - این جناح - یعنی حزب جمهوری اسلامی - که مدارج اصلی قدرت را در دست دارد متوجه شد که همبستگی وسیعی که در مبارزه ضد امپریالیستی بین نیروهای مختلف اجتماعی میتواند بوجود آید، باید برای "حکومت" و سلطه او را میتواند به خطر اندازد. جنگ افروزان و آشوبگران که ظرف چندین ماه از هیئت کوششی جهت برآوردن یک کارزار وسیع علیه نیروهای مشرقی و خلقهای ایران ایجا نموده بودند و کار را تا کشور و تمامی خلقهای ترکمن و عرب و کرده کشیده بودند، ظییمی بود که از طرفیکه و تحریک باز نایستند، چه "پشت پرده" (۱) آقای بهشتی در بیانی "حضرت آیت الله العظمی منتظری" نشان داد که چه کسانی و با چه طرز فکری بر مقدرات مردم حکومت میکنند. سراسری روز جمعه آقای منتظری ما را

حساب شده ای بود جهت بهای کردن آشوب و تحریک. فرض این بود که در عکس - العمل به این سخنرانی، اقداماتی از طرف کردها صورت گیرد و سپس پاسداران ارتش به عنوان واکنش نسبت به "اقدامات ضد انقلابی کردها" مجدداً کشتار بپردازند و خلقه معیوب قتل و انتقام تکرار گردد. در مقابل، جناح دیگر رقیب، که فعلاً سردمدار "مبارزه ضد امپریالیستی" است (و از سردمداران اصلی و بطور اصل ضد امپریالیست (۱) آن صادق قطب زاده است) با در دست داشتن دستگسسه تبلیغاتی، واکنش نشان داد. حربه علیه قم که خود را از ارکان اصلی انقلاب میدانند و از قدرت یابی حزب جمهوری اسلامی چندان خرسند نبوده است باین کارزار پیوست و با تقبیح سخنرانی منتظری نشان داد که جنگ قدرت در میان روحانیون تا چه حدی است.

"امام امت" نیز در این میان با حفظ موقعیت خود در میان جناح های متخاصم کوشید پشتوانه خود را تحکیم بخشید و از آنجا که جناح های مختلف در رقابت اند و هر یک وجود امام را بدلیل خاص خود مفید میدانند هر روز قامت او را برارنده تر و رهبری او را بی چون و چراتر میکنند. همه "در خط امامت" ولی این خطی است مرکب

از خطوط متقاطع هم آقای قطب زاده، هم بنی صدر، هم یزدی مرحوم و هم بهشتی، هم جناب چمران و هم حضرت بزرگان، همه در خط امامتند. و امام هم همه را در خط نگاه داشته است! اینکه امام چنین کرده یا سودای قدرت چنین بازی میکرد مهم نیست. مهم اینست که در زمان حیات یک فرد خط او به هزار گونه تفسیر میشود (یاد خط ما شوشه دون و تفسیرهایی که هر کس برای خود میکند - و میکند - و ما شو هم با بزرگواری همه را از پیروان خود می خواند، بخیر).

این مسئله بهر رو نکته مهمی را نشان داد و آن اینست که برحمت کاست روحانی علیرغم تعادفات و عارفان تشریفات ظاهری در مقابل تکانهای ناشی از واقعیات اجتماعی تاب مقاومت ندارد. مبارزه طبقاتی، منکرین وجود طبقات را نیز مصون نمی دارد. انکار واقعیت نفی واقعیت نیست.

تضادهای قدیمی تر حزب جمهوری خلق مسلمان و حزب جمهوری اسلامی، جناح بندیهای حزب اصلی و جناح لیبی جناح بندیهای حزب الهی و سایرین تازه در آغاز رشد و بروز اند حفظ ظاهر مسئله ای را حل نخواهد کرد بلکه برعکس حرص قدرت آنها را مضطرب خواهد نمود و چنین باد!

دو سند!

یکی از اسناد

درباره کمک مالی به روحانیون مخالف خمینی در تبریز
 نظر براینکه آقایان میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی و میرزا حمید واعظی و میرزا حمید شریبانی سردسته مخالفان خمینی و قاضی هستند دستور دهید کلیه بودجه ویژه ده میلیون ریالی روحانیون در ساواک تبریز در اختیار نامبردگان فوق قرار داده شود و به آنها تاکید گردد که بودجه مزبور باید بر علیه خمینی و سردسته طرفداران خمینی در تبریز یعنی افسس حرم و تنجی که در مراتب جهت اقدام سریع اعلام می شود

سپهبد عقلم

سازمان اطلاعات و امنیت داخلی
 ساواک آذربایجان شرقی
 شماره ۱۰۱۲/۱۰۳
 تاریخ ۰۷/۱۰/۳۹
 پیوست ندارد

درباره کمک مالی به روحانیون مخالف خمینی در تبریز
 نظر بر اینکه آقایان میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی و میرزا حمید واعظی و میرزا حمید شریبانی سردسته مخالفان خمینی و قاضی هستند دستور دهید کلیه بودجه ویژه ده میلیون ریالی روحانیون در ساواک تبریز در اختیار نامبردگان فوق قرار داده شود و به آنها تاکید گردد که بودجه مزبور باید بر علیه خمینی و سردسته طرفداران خمینی در تبریز یعنی افسس حرم و تنجی که در مراتب جهت اقدام سریع اعلام می شود

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت داخلی
 تبریز
 ۰۷/۱۰/۳۹

بالاخره رژیم هم مجبور با اعتراف باین امر شده است که در گذشته عده ای از روحانیان سون و یا بقول آنها روحانی نمایان با ساواک همکاری داشته اند. دو سه نفری هم من بسبب خالی نبودن عریضه "خلع لباس" شده اند و بجای آنها روحانیون پاک و وارسته بر مسند نشسته اند. دو سند زیر نشان میدهد که این روحانیون پاک و منزله از چه قماشند. در یکی از اسناد نام میرزا حمید شریبانی بچشم میخورد که امروز در تبریز به مقام جرات مآب "آیت الله شریبانی" ارتقاء یافته است. ایشان با تفاق سایر همکاران گرام اکنون در مقام ریاست کمیته انقلاب اسلامی شهرستان تبریز به رتق و فتق امور و رسیدگی به جرائم ضد انقلاب مشغولند و تخصص ایشان در مبارزه با چپهاست. در سند دیگر با اسم سردروانی پاک دیگر (و ایضا رئیس کمیته) برخورد میکنیم. جالب اینجاست که یکی از اسناد فوق مربوط به روحانیون مرتبط با حزب جمهوری خلق مسلمان است و سند دیگر مربوط به حزب جمهوری اسلامی. بیله دیگر بیله چغندر. "اپوزیسیون" درونی این روحانیون هم در پاکی و نظافت دست کمی از قدرتمندان ندارد، که گفته اند النظاره من الانیمان. باز هم بپرسید چرا اسناد ساواک افشاء نمیشود!

مداخله نظامی آمریکا

بدون تحقق خواستههای زحمتکشان مبارزه ضد امپریالیستی ریشه ای نخواهد بود

پس از قیام ۲۲ و ۲۳ بهمن ماه ۵۷ شونده های زحمتکش خلق، امید داشتند که خواستههای خود کوه تیک و ضد امپریالیستی انقلاب که بیخاطر آنها هزار نفر جان خود را فدا کرده بودند تحقق یابد.

گرچه بیخاطر در هم پاشیدن سازمانهای مروت رژیم شاه بدست نیروهای انقلابی شونده های زحمتکش چند صاعقه های آزادی پدید آمد، ولی شونده بورژوازی تنگ نظر سنتی که رهبری انقلاب را به لیل مشفق شاه ریختی به چنگ آورده بودند و صراحتاً بخش عقب افتاده بورژوازی لیبرال که تا آن خرید، معامله رای بازی میکرد با استفاده از ارگانه های قدرت خود و در راه آن ششورای انقلابی و دولت موقت، به محدود کردن گام بیگام آزادیهای بدست آمده مردم همت گماشتند، و نشان دادند که ما بلند و نه میتوانیم نتوانستیم بود امپریالیسم و در راه آن امپریالیسم آمریکا را از ایران ریشه کن سازند.

گوش غامضی قدرت به شمار شونده های جان بکف مردم که در هنگام مخالفتی کردن رژیم شاه فریاد میزدند "بعد از شاه ثوبت آمریکا است" بدهکار نبود، هنگامیکه در روزهای پس از قیام سفارت آمریکا بوسیله انقلابیون مسلح تسخیر شد، در وقتند از شکستنا نه این عمل را فدا انقلابی خرابند و از سولنیوان، سفیر آمریکا که دستش بر روی مردم هندو چین آلوده بود در ما همسایه آخر حکومت شاه، خائن گرداننده امپریالیستی های شاهانه بود، عذر خواهی کردند.

در جریان تظاهرات پس از نشان دادن نگرانی بعضی از مخالفان آمریکائی بابت قطع نفوذ و از دست دادن منافعیشان در ایران بی مورد بسوگو گم شدن استاد جاسوسی و روابط رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا از سفارت ایران در آمریکا با کرات نیروی روحانی، نماینده اسام در آمریکا با ونس وزیر خارجه آمریکا که پس از آن کارش را اظهار خوشنودی و امیدواری کرد که ایران چند وقتی ممکن است در پیما نه های امنیتی منطقه حرکت کند، حملات مقامهای مذهبی و غیر سرمد هه رژیم ایران علیه دولت فدا آمریکا نسی افغانستان و پشتیبانی از نیروهای ارتجاعی شدولتی افغانستان که متکی به مالکان بزرگ

بوده و در پاکستان بوسیله ما مورین جاسوسی آمریکا تعلیم میدیدند، و فرستادن معاونت امورا انقلاب "چمران" برای شرکت در کنفرانس ارتجاعیون "مسلمان" افغانستان در پیشاور نشانهاشی از حرکت در جهت خط آمریکا بود.

روابط حسنه با سلطان عمان که بوسیله ارتش شاهنشاهی ایران توانسته بود جنبش انقلابیون عمان را سرکوب کند و نیز ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهور کودتائی پاکستان که در قیام بی خلق فلسطین در سینا مبرسایه ۱۹۷۰ شرکت داشت و اکنون بنام اسلام حکومتی فاشیستی را مستقر کرده است، و بیطور کلی سیاست ایران در خلیج فارس، برای آمریکا جای نگرانی باقی نگذاشته بود.

عدم افشای قراردادهای سری نظامی، جاسوسی، اقتصادی و سیاسی آمریکا و رژیم شاه، عدم افشای اسامی ما مورین سیا، آزاد ساختن ما مورین ساواک این دست است - پروردگان سازمان جاسوسی آمریکا همه دلیلی بودند که آقای کارتر نمیتوانست آورده بخواند که علیرغم شعارهای ضد امپریالیستی، اوضاع در این منطقه امن و امان است.

افزایش فعالیتهای جاسوسی آمریکا و پیدا شدن دوباره سروکله مستشاران آمریکا در ایران برای بررسی احتیاجات نظامی ایران با شکنجه مبارزین چون زندانی رژیم شاه و مجاهد خلق، سعادت در کمیته پشت سفارت آمریکا توسط متخصصین فن به جرم گوش در افشای نام جاسوسان آمریکا، تجدید قرارداد چند میلیار دلاری نظامی با آمریکا، ادامه تحصیلات نظامی (جاسوسی) پیش از ۲۴۵ نفر از دانشجویان افسری در آمریکا و ... باز هم گوشه ها شی از این روابط حسنه قدرت حاکم و امپریالیسم آمریکسا است.

آیا سفر شاه به آمریکا و نفرت عظیم و بحق رهبران به این جنایتکار را نشان سبب ضد آمریکا نشیان گردید؟ اگر چنین است پس چرا عضو شورای انقلاب و سرپرست محبوب صداوسیما جمهوری اسلامی کسسه

اکنون چون بلبل در افشای آمریکا داد سخن میدهد، حتی حاضر نشد اعلامه سندسکای کارکنان صنایع نفت را که طی آن امپریالیسم آمریکا را تهدید میکرد که اگر شاه مخلوع را برای محاکمه به ایران تحویل ندهد جریان نفت را به آمریکا قطع خواهند کرد، در صداوسیما جمهوری اسلامی بخواند و طبق معمول اینها مه را هم به زیر کیوتین سانسور سیرد.

امپریالیسم آمریکا گرچه از روابط حسنه خود با جمهوری اسلامی خوشنود بود و از تبلیغات ضد کمونیستی قدرت حاکم لذت میبرد، اما میدانست که در دراز مدت دیده عقب گرایانسه موجود با منافع سرمایه داری انحصاری در تضاد بوده و نیز علیرغم موااید تبلیغات ضد کمونیستی در کوتاه مدت ادا ما سلطه خرده بورژوازی می. کفایت و تنگ نظر خود ز مینه را برای رشد کمونیسم فراهم می نماید. از اینرو امپریالیسم آمریکا از حرکت لیبرالها برای در دست گرفتن قدرت سیاسی استقبال میکرد و در عین حال به جمع آوری مبره های لازم برای یک کودتا در فرصت مناسب می پرداخت.

با این ترتیب ایجاد ناگهانی کارزار ضد امپریالیسم آمریکا را در رابطه با پیشگیری از به قدرت رسیدن رقیب لیبرال بورژوازی و در ارتباط با آن ناراحتی از تقلیل پایه توده ای و نگرانی از عدم استقبال توده مردم از مصوبات ارتجاعی مجلس "خبرگان" میتوان دید. و با لخره خرده بورژوازی حاکم امید دارد سلاح مبارزه ضد امپریالیستی را از دست نیروهای مترقی بگیرد و در واقع با یک تیر سه نشان بزند ولی علیرغم همه عوام فریبی های قدرت حاکم، مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، نه ماه پس از پیروزی قیام، وارد مرحله جدید شده است. تمام کوششهای ارتجاع داخلی، برای لگام زدن به سمت مبارزات توده های ستم کشیده جهت مبارزه ای قاطع علیه امپریالیسم جهانی، امروز مواجه با این است شده است اما این بین بست نشان پایان این کوششها نیست. ارتجاع هنوز میکوشد که با هر چه در توان ندارد، این مبارزه را منحرف و خالی از محتوی گردانند و از

باری مختلف کار این جدال تاریخی را به
سازش منتهی کردند ، کما اینکه در طول سه ماه
گذشته با توسل به شیوه های گوناگون تحقیق
فناجری غیر قابل تصور ، موفق شد که قیام
بمبارجه مردم را علیه امپریالیسم و ارتجاع
داخلی ارضیون نهی سازد .

آنچه که امروز مقابل ماست ، بر خلاف
انای کارگزاران رژیم ، نه محصول اراده
یک فرد است و نه حاصل همت گروهی کوچک
بلکه ، ناشی از خصلت های اساسی و مضمون
واقعی قیام مردم ما است .

اگر امروز ، رهبران میگویند که حرکت
مردم علیه حاکمیت امپریالیسم امریکارا ،
حرکتی ساراده "رهبری" در اذهان بوده هیا
جایگزین نمایند ، بخطر رفته اند که این ،
اگر از سر عوامفریبی باشد خیانت نام دارد
و اگر از سر ناخردی ، حماقت برعکس ،
مسامحه و تردیدهای ماهوی قدرت حاکم در
اتحاد سیاسی قاطع در قبال توطئه های
عوامل وابسته به امپریالیسم و ترسش در
مقابل همه تجاوزات و دسائش آشکارا میر-
یالیسم امریکا طی ۹ ماه زمامداری سردمد-
اران کنونی ، ساعت شده است که امروز
زحمتگشان بهایی به مراتب سنگین تر از پیش
برای قطع وابستگی به امپریالیسم بپردازند
ممال و فرصت های کرانه های از دست
داده شده توسط رهبران ، چیزی نیست کسه
بشوان آنها در موحی از اتهام و فحاشی
ریاکارانه به نیروهای واقعی ضد امپریالیست ،
پنهان ساخت ، بر هیچکس پوشیده نیست که درست
در شرایطی که می شد با قاطعیت ، با تسخیر کلیه
فواض سیاسی اقتصادی نظامی امپریالیسم
در ایران ، شرایط زوال مناسبات جابراجه
پیشین را متحقق و از توطئه های آشکار
و پنهان آن علیه قیام مردم جلوگیری کرد
بصاری از همین رهبران و منادیان "فلسف
امپریالیست" امروز ، ترجیح دادند که اراد
ضد امپریالیستی مردم را که میرفت ، در همان
اوان پیروزی ، به این امر مهم دست یازد ،
سرکوب نمایند ، و هنوز نیز می بینیم کسه
همین سردمداران ، علی رغم زست های عوام
فریبانه شان ، چگونه از مصادره سرمایه ها
و انقو قراردادهای اقتصادی - نظامی بسا
دول امپریالیستی سرباز میزنند و می بینیم
که چطور هنوز با حفظ این سرمایه ها و
فساد داده ها ، تلویحا ، ابسواب
"مراوده مجدد" و "آشتی دوباره" را تدارک
می بینند و از اینروست که امپریالیسم
امریکا ، با خواندن دست خریف خود ، ابتکار
عمل را تا کنون بدست گرفته است ، فاسد

های دیپلماتیک امریکا در سطح جهان و محاس
صه اقتصادی ایران و ترغیب کشورهای
صنعتی جهت تبعیت از سیاست محاصره اقتصادی
ایران ، و بالاخره ، تهدید به مداخله نظامی
همه و همه کوشش های امپریالیسم امریکا
برای فتح مجدد سنگرهای حاکمیت خود در ایر
- ان است که امروز بمخاطره افتاده است .
حضور ناوگان دریایی امریکا در تنگه هرمز
میتواند بخشی از توطئه امپریالیسم ، در
رابطه با محاصره اقتصادی ایران باشد .
بدین معنی که امریکا محتلامیکوشد با بستن
تنگه هرمز سروی گشتی هایی که بقصد بنادر
ایران در حرکت ویاز بنادر ایران سارگش
کرده اند ، حلقه محاصره اقتصادی ایران را
تنگ و تنگ تر نماید .

ما با آنچه اقدام رژیم را اصیل نمی-
دانیم و اعتقاد نداریم که ماهیت شوروی
انقلابی که عملکرد غیر انقلابی و موصوات
ارتجاعی ۹ ماهه آن در برابر جشمانمسان
قرار دارد ، به آن اجازه نمیدهد مبارزه
جدی ضد امپریالیستی بنماید ، بوجود آمدن
جو ضد امپریالیستی کنونی را علی رغم خواست
قدرت حاکم بضع نیروهای انقلابی ارزیابی
میکنیم ، و بهمانگونه که در جنگ اکتوبر
۲۳ ، با وقوف کامل به این امر که ، امر-
یالیسم با تاکتیک "جنگ محدود" کوشش داشت
مرتجعینی چون سادات و حافظ اسد - سدر
"قهرمان" سازد ، و در این تاکتیک ، پرستیز
و حیثیت خلق فلسطین ، با بیشرمی کامسبل
بوسیله امپریالیسم ، صهیونیسم و مرتجعین
عرب به بازی گرفته شده بود ، در جنگ
میان اعراب و اسرائیل شرکت نمودیم .
امروز در ایران نیز با اعتقاد به مبارزه
ابی قاطع علیه امپریالیسم جهانی ، در
صورت مداخله نظامی امریکا در ایران ، بدون
جدا ساختن مبارزه ضد امپریالیستی از مبار
- رزه علیه ارتجاع داخلی ، علیه تجاوزات
امپریالیسم امریکا ، بمقابله سرخواهیم
خاست و با تمام قوادراین نبرد تاریخ ساز
شرف خواهیم نمود . ما اعتقاد داریم کسه
ریشه کن کردن امپریالیسم جهانی و درراس
آن امپریالیسم امریکا بدون تحقق خواست
های دمکراتیک زحمتگشان و نابودی استثم
مکن نیست ولی ایجاد جو ضد امپریالیستی
موجود هرچه بیشتر بتوده ها ماهیت رهبران
کنونی را نشان خواهد داد و در عمل روشن
خواهد شد که با وجود چنین رهبری اگر هم
سروصدای ضد امپریالیستی با عمل توام شود
تنها ناشی از فشارتوده ایست و نیروهای
انقلابی میتوانند با طرح خواستهای عمیق
ضد امپریالیستی هرچه بیشتر قدرت حاکم را

افشا کرده ، آگاهی توده ها را افزایش
دهند و از طرف دیگر از سوء استفاده
خرده بورژوازی حاکم از هجان تسودهای
برای تحمیل قوانین ارتجاعی مجلس خبرگان
جلوگیری نمایند .

نمیتوان ضد امپریالیست بود ولی توان
بستی تمویب کرد که در جهت تحکیم سرمایه
داری باشد و کارگران را به بند کشید ،
زبان را عقب برد و حقوق خلقها را نادیده
گرفت و ارگانه های سرکوب را برتوده هسا
سلط کردند ، آزادیهای بدست آمده در اشلا
را که خونهای دهها هزارگشته است از آن
هایکیرد و بالاخره بنام ولست فتنه همچون
فصل از انقلاب و در لباس تازه بکنفر رابر
سروشت ۳۵ ملسون مسلط کردند .

مبارزات ضد امپریالیستی را تعمیق
بخشیم و از تحقیق توده ها جلوكسری کرده
و برای تحقق خواستهای ضد امپریالیستی ،
ضد استبدادی و ضد استعماری انقلاب مردم
تسکیل مجلس موسسان را طلب کنیم ، ما برای
تداوم مبارزه علیه امپریالیسم خواستاریم
که :

محمد فرار داده های سری با امپریالیستی
و در اس آن امپریالیسم امریکا افشا ، و
همراه با فرار داده های عمان امپریالیستی
لسو کرده

کنترل واقعی تولید و فروش و صدور و
توزیع نفت از دست نراستها خارج شود .

مستشاران نظامی از ایران بسسرای
همیشه اخراج شوند .

اسامی جاسوسان امپریالیسم بسرکرد
کی امپریالیسم امریکا و مامورین ساواک
و رابطه ساواک و سازمانهای جاسوسی
امپریالیسم افشا گردد .

عاملین سرکوب خلق کرد و سرو همای
سرفی و ضد امپریالیست محاکمه شوند .

شوراهای واقعی زحمتگشان تشکیل گردد .

آزادی عقیده ، بیان و مطبوعات
تأمین شود .

برای ادامه و تحکیم مبارزه ضد امپری-
الیستی موصوات مجلس خبرگان بدور رسخته
بود .

مجلس موسسان تشکیل گردد .

تا خود باد امپریالیسم
جهانی بسرکردگی امپریالیسم
آمریکاسا
سروزاد مبارزات ضد
امپریالیستی و ضدارتجاعی خلق
های فرمان ایران

مبارزه ضد امپریالیستی

بلاخره پس از مدتها انتظار ، دم غروس مبارزه " ضد امپریالیستی " کارگزاران قدرت حاکم از زیر عیابشان آشکار شد. " استاد" ابوالحسن بنی صدر " فهران مبارزه ضد امپریالیستی " حاج مستضعف " ، " تئوریسین اقتصاد اسلامی " ، " اسنم شناس " ... در مصاحبه با یکی از روزنامه های صبح تهران اظهار لحنیه فرمودند که " برقراری موازنه منفی در رابطه ما با آمریکا یکا اصل است - در اصل رابطه قوا (۲) حقوق دیپلماتیک حکم میکند یک طرف نکست بخورد و یکی پیروز شود - حقی ما اینست که شاه مخلوع مسترد شود و آمریکا تائید کند او به حقوق ملت ایران تجاوز کرده و دستش بخون این ملت آلوده است و آنوقت ما هر دو حقی میرسیم و در این زمینه مینوان گفت که گروگان ها هم آزاد شوند ... بلاخره یکی باید در طی کسردن این خط سیر پیروز شود. "

برای ما این ابزار نظر شعبی بوجود نیاورد. از همان ابتدا وجود عوامل متضاد بسیار و ناهمگون و عدم تجانس بین اصول یک مبارزه ضد امپریالیستی قاطع و ماهیت طبقاتی رهبری این حرکت بوضوح عوامفریبی وزمینه های سازش را در بطن این اقدام نشان می

در حاشیه روابط ما

حقوق دیپلماتیک حکم میکند یک طرف بخورد و دیگری پیروز شود. " " فهران مبارزه ضد امپریالیستی " حاج مستضعف " ، " تئوریسین اقتصاد اسلامی " ، " اسنم شناس " ... در مصاحبه با یکی از روزنامه های صبح تهران اظهار لحنیه فرمودند که " برقراری موازنه منفی در رابطه ما با آمریکا یکا اصل است - در اصل رابطه قوا (۲) حقوق دیپلماتیک حکم میکند یک طرف نکست بخورد و یکی پیروز شود - حقی ما اینست که شاه مخلوع مسترد شود و آمریکا تائید کند او به حقوق ملت ایران تجاوز کرده و دستش بخون این ملت آلوده است و آنوقت ما هر دو حقی میرسیم و در این زمینه مینوان گفت که گروگان ها هم آزاد شوند ... بلاخره یکی باید در طی کسردن این خط سیر پیروز شود. "

برای ما این ابزار نظر شعبی بوجود نیاورد. از همان ابتدا وجود عوامل متضاد بسیار و ناهمگون و عدم تجانس بین اصول یک مبارزه ضد امپریالیستی قاطع و ماهیت طبقاتی رهبری این حرکت بوضوح عوامفریبی وزمینه های سازش را در بطن این اقدام نشان می

داد و این را بدفعات هم ما و همسرم برخی از نیروهای مترقی دیگر گسسه گرفتار توهماتش چون قبول " خط ضد امپریالیستی " رهبران فعلی حکومت نبودند بیانها مختلف بیان کردند. بهر حال آنچه که سرپرست وزارت امور خارجه و دانشی و عضو شورای انقلاب و ... مطرح نموده است صرف نظر از ردیف کردن مثنی خزینات (که قاعدتها باید نشان عدم آشنائی ایشان به سیاست مفاهیمی که بکار برده اند باشد) هر اصلی برخورد این جناب و همسنگان نشن را در امر مبارزه علیه امپریالیسم بنمایش میگذارد و مفهوم واتسسیسی " مبارزه ضد امپریالیستی " حضرت رهبران را بخوبی بیان میکند. در نظر این حضرت ، حقی مادر این مبارزه نه قطع رابطه با امپریالیسم غارتگر و متجاوز امریکاست و نه افشاء قرار دادهای سیاسی ، نظامی و اقتصادی آن و نه الفاء آنها و نه نشی کسردن سرمایه های امپریالیستی ، حقی ما - حقی زحمتکشان جامعه ، حقی مردم - اینست است که آمریکا شاه سابق را مسترد گرداند تا هر دو (هم ما و همسرم امپریالیسم امریکا) حقی خود برسیم . حقی ما را " تئوریسین اقتصاد توحیدی " مرحمت فرمودند و روشن ساختند گسسه این مبارزه چیست و چه اهدافی را مبارزه ضد امپریالیستی کنونی شغیب می نماید . حقی ما این است که شاه را پس بگیریم (که بالتبع طبق نظر ایشان پس از استرداد شاه دیگر حقی نداریم گسسه بخاطر آن با امپریالیسم مبارزه کنیم . مبارزه ضد امپریالیستی موقوف میشود) ولی میماند حقی امپریالیسم امریکا در این معاف ، " مینوان گفت که گروگان ها هم آزاد شوند " و به رهبران شمشیر را غلاف خواهند کرد . وانگاه تنها آقای بنی صدر بعنوان سرپرست وزارت خارجه - چون دیگر حقی خود رسیده است - به پیروی از " اصل رابطه قوا

هفته نامه

رهائی

نشریه

سازمان وحدت کمونیستی